

نقدی بر تصحیح اشعار تاریخ ذوالقرنین

بهرام شعبانی*

دانشگاه جهرم

چکیده

تصحیح نسخه‌های خطی، از کارهای ارزشمند علمی، در یک قرن اخیر است که زمینه‌ی احیای بسیاری از آثار منظوم و منثور گذشته را فراهم کرده‌است. این کار باعث شده تا متون علمی، ادبی، تاریخی و دینی بسیاری، در دسترس علاقه‌مندان به تاریخ، ادبیات و فرهنگ ایران قرار گیرد. تاریخ ذوالقرنین، اثر خاوری شیرازی، یکی از این متون تاریخی و از منابع دست‌اول دوره‌ی فتحعلی‌شاه قاجار است که مؤلف در آن، بسیاری از وقایع تاریخی و اجتماعی آن دوره را به رشته‌ی تحریر درآورده‌است. این کتاب، در دو جلد با مقدمه و تصحیح ناصر افشارفر، به چاپ رسیده و در آن نزدیک به دوهزار بیت از خاوری، در موضوعات مختلف آمده که به آن اهمیتی خاص بخشیده‌است. در این مقاله، ابتدا اشکالات مقدمه‌ی مصحح و حواشی متن را بررسی کرده‌ایم و سپس به نقد تصحیح اشعار دو هزار بیتی کتاب، به لحاظ محتوا، خوانش متن، فنون تصحیح و نگارش، پرداخته‌ایم.

واژه‌های کلیدی: تاریخ ذوالقرنین، تصحیح، محتوا، خوانش متن، نگارش.

۱. مقدمه

سقوط دولت صفوی، ثبات سیاسی را در ایران برهم زد؛ تا این‌که پس از مدتی، نادر، حکومتی مقتدر در ایران بنیان نهاد. نادر به شعر و شاعران اعتنایی نداشت. کریم‌خان زند نیز اگرچه از شاعران چندان حمایت نمی‌کرد؛ ثروت‌هایی که نادر از هندوستان آورده بود و اموالی که افغان‌ها از ایران خارج نکرده بودند، همراه با کتب و دیوان‌های شعر که تا اواخر دوره‌ی صفویه عمدتاً مردم از آن محروم بودند، در دوران حکومت نسبتاً آرام کریم‌خان به دست مردم افتاد و زمینه‌ای فراهم کرد تا شاعرانی در شیراز و

* استادیار زبان و ادبیات فارسی bahram.shaabani@gmail.com

اصفهان گرد هم آیند و محافلی ادبی در این دو شهر تشکیل دهند. با شروع سلطنت فتحعلی‌شاه - که حکومت کم و بیش تثبیت شده و سپردن حکومت‌های محلی به فرزندان، فرصت زندگی شاهانه را برایش فراهم آورده بود - محافل ادبی به تهران منتقل شد و بنیان آن تجدید و تحکیم گردید. فتحعلی‌شاه شاعر بود؛ تاریخ می‌دانست و از دربار سلاطین گذشته، خصوصاً غرنویان نیز باخبر بود؛ از این رو تشویق‌ها و حمایت‌های او و دیگر شاهزادگان قاجار از شاعران، بازار شعر و شاعری را رونقی تازه داد. محمدشاه نیز اگرچه شاعر نبود، روش پدربزرگ خود را در پیش گرفت.

میرزا فضل‌الله شریفی حسینی شیرازی، متخلص به خاوری، از شاعرانی است که در دوران فتحعلی‌شاه و نیمی از دوران محمدشاه، در دربار زیست؛ انشای نامه‌های دربار، نوشتن وقایع روزانه‌ی حکومت قاجار و شعرخوانی در حضور فتحعلی‌شاه، ممارست‌هایی بود که باعث شد آثار متعدد و قابل توجهی در شعر و نثر، از او به یادگار بماند. تاریخ ذوالقرنین در تاریخ قاجاریه، از آثار منثور خاوری است که مؤلف، حدود دو هزار بیت از اشعار خود را عمدتاً در قالب‌های قطعه و قصیده، در آن آورده و موضوعات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی مهمی را در این ابیات، مطرح کرده‌است. این کتاب را ناصر افشارفر تصحیح کرده که هرچند زحمات قابل تقدیری را متحمل گردیده، متأسفانه در محتوای مقدمه و حواشی متن، خوانش متن، فنون تصحیح و نگارش آن، ایرادات و اشکالاتی اساسی وجود دارد. در این تحقیق، ایرادات و اشکالات تصحیح اشعار تاریخ ذوالقرنین را که در بردارنده‌ی بسیاری از موضوعات مهم تاریخی و اجتماعی عصر قاجار است، بررسی می‌کنیم.

۱. بیان مسأله

یکی از مهم‌ترین بخش‌های تحقیقات ادبی، تصحیح و احیای متون نظم و نثر گذشته است. این کار علمی، اگرچه در حوزه‌ی ادب فارسی، از سال‌ها قبل به پیروی از محققان اروپایی آغاز شده، هنوز نسخه‌های گران‌بها و قابل ملاحظه‌ای در کتابخانه‌ها و مراکز اسناد، مهجور مانده که تصحیح و چاپ آن، می‌تواند برای علاقه‌مندان به این متون، زمینه‌ی مطالعات و تحقیقات جدید را فراهم کند. تاریخ ذوالقرنین، اثر میرزا فضل‌الله خاوری شیرازی، از منابع دست اول تاریخی عصر فتحعلی‌شاه است که به شیوه‌ی معمول تاریخ‌نویسی عصر قاجار، به صورت سالنامه، تألیف شده و بسیاری از حوادث تاریخی و اجتماعی دوره‌ی قاجار تا اواسط پادشاهی محمدشاه را دربردارد.

خاوری در مقدمه‌ی کوتاهی که بر این کتاب نوشته، درباره‌ی طرح اولیه و موضوع آن، به تفصیل سخن گفته که در این‌جا بخش‌هایی از آن نقل می‌شود: «وقتی در حضرتش (فتحعلی شاه) سخن از وقایع دولت روزافزون شد و خورشیدوار، کوکب این مضمون از مطلع خاطر فیض مظاهرش، سر زد که: «منظور از وقایع‌نگاری، اطلاع خاصه و عامه از اوضاع مملکت است؛ نه مقصود انشاپردازی و اظهار فضیلت. تاریخ دولت باید مختصر و باسلاست و پرمفعت باشد، نه مطوّل و پر بلاغت و بی‌خاصیت...» (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۷)

سخنان شاه قاجار، خاوری را به تألیف چنین تاریخی ترغیب کرد و او را به این رسالت ملتزم گردانید و چون کتاب *زینت التواریخ* میرزا محمدرضی تبریزی، به علت فوت مؤلف، ناتمام مانده و میرزا صادق وقایع‌نگار نیز به علت گرفتاری امور معاد و معاش، بعضی وقایع را در کتاب *تاریخ جهان‌آرای* از قلم انداخته بود، خاوری که قریب سی سال مباشر جمیع تحریرات وقایع دولت قاجار بود، آن را به رشته‌ی تحریر درآورد. (همان: ۸) خاوری در این مقدمه، تعداد جلد‌های کتاب و عنوان و موضوع هر جلد را نیز معرفی کرده‌است: «بنیان کتاب بر دو جلد و یک خاتمه نهادم: جلد اول در وقایع قرن اول از دولت ابدمدّت خسروانی و جلد ثانی در ایراد اوضاع قرن ثانی از شوکت جاویدمبانی و خاتمه در ذکر شمایل و مآثر و تعداد اولاد امجاد و نبایر و نتایج حضرت صاحب‌قرانی. جلد اول را «نامه‌ی خاقانی» و جلد ثانی را «رساله‌ی صاحب‌قران» نام نهادم و هر دو جلد را جامعاً *تاریخ ذوالقرنین* لقب دادم.» (همان: ۹)

نزدیک به دو هزار بیت از اشعار خاوری، به ویژه قصاید و قطعات نیز در *تاریخ ذوالقرنین* آمده که بسیاری از این اشعار در نسخه‌های موجود دیوان شاعر وجود ندارد. موضوعات اصلی این اشعار، حوادث تاریخی، مانند تاریخ ولادت، ازدواج و وفات شاهان، شاه‌زادگان و رجال عصر مؤلف، تاریخ احداث بناها و تاریخ اتفاقاتی است که در جنگ‌ها رخ داده‌است. در لابه‌لای متن این کتاب، به بسیاری از حوادث زندگی خاوری نیز اشاره شده‌است.

۱.۲. ضرورت و اهمیت تحقیق

خاوری شیرازی، نوه‌ی آقا محمد هاشم ذهبی شیرازی، برادر میرزا ابوالقاسم راز و از شاعران مهم قرن سیزدهم هجری است که آثار نظم و نثر متعددی از او بر جای مانده و متأسفانه تاکنون این آثار، چندان مورد توجه محققان قرار نگرفته‌است. او از نزدیکان و

منشیان فتحعلی‌شاه و چند تن دیگر از امیران و شاهزادگان قاجار بوده و در نیمه‌ی اول قرن سیزده هجری، مناصب اجتماعی مهمی مانند منشی دربار فتحعلی‌شاه، داشته‌است. همین نفوذ در دربار قاجار و اطلاعات دست‌اولی که از وقایع آن دوره داشته، به او کمک کرده تا کتاب ارزشمند *تاریخ ذوالقرنین* را به شیوه‌ی تاریخ‌نویسی عصر قاجار، تألیف کند و بسیاری از وقایع و حقایق تاریخی و اجتماعی آن دوره را تا اواسط پادشاهی محمد شاه، به آیندگان منتقل کند؛ دوره‌ای که سرآغاز نفوذ جدی استعمار، به ویژه دو قدرت استعمارگر روس و انگلیس در ایران است. دست‌رسی به چنین منابعی برای مورخان و محققانی که می‌خواهند از این وقایع آگاه شوند و یافته‌های خود را به اطلاع جامعه‌ی نیازمند امروزی برسانند، ضروری است. از آن‌جا که اشکالات این تصحیح، به ویژه در خوانش متن، می‌تواند اشتباه، کژفهمی و دست‌نیافتن به حقیقت را در بسیاری از موضوعات مهم، باعث شود، سعی کرده‌ایم بخش قابل ملاحظه و مؤثری از متن مصحح؛ یعنی حدود دوهزار بیت اشعار مندرج در این اثر را، بازبینی کنیم و ایرادات و اشکالات مختلف آن را در معرض دید و مطالعه‌ی صاحب‌نظران و محققان، به‌ویژه علاقه‌مندان به تاریخ عصر قاجار قرار دهیم.

۳.۱. پیشینه‌ی تحقیق

همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم، میرزا فضل‌الله شریفی حسینی، معروف به خاوری شیرازی، از شاعران و نویسندگان مهم قرن سیزده هجری و از نزدیکان دربار چند تن از شاهان و شاهزادگان قاجار بوده‌است. اغلب تذکره‌نویسان و مورخان از جمله رضاقلی‌خان هدایت در *تاریخ روضة الصفا*، دیوان‌بیگی شیرازی در *حدیقه‌الشعرا*، عضدالدوله احمد میرزا در *تاریخ عضدی*، میرزا حسن فسایی در *فارسنامه‌ی ناصری*، معصوم شیرازی در *طرائق الحقایق*، میرزا علی‌اکبر نواب شیرازی در *تذکره‌ی دلگشا* و محمود میرزا قاجار در *سفینه‌المحمود*، از او به نیکی یاد کرده‌اند. خاوری آثار زیادی نیز به شعر و نثر از خود به جای گذاشته که عبارتند از:

دیوان اشعار شامل هفت هزار بیت در قالب‌های قصیده، غزل، قطعه، ترکیب‌بند، رباعی و مثنوی با مقدمه و تصحیح بهرام شعبانی.

تذکره‌ی خاوری یا *خاتمه‌ی روزنامه‌چهی همایون*، در شرح حال فتحعلی‌شاه قاجار، زنان، فرزندان و نوه‌های او به تصحیح میرهاشم محدث.

مثنوی یوسف و زلیخا به تقلید از یوسف و زلیخای جامی، در پنج هزار بیت با مقدمه و خط منظور شیرازی.
تاریخ ذوالقرنین در تاریخ قاجاریه تا زمان مؤلف، تصحیح ناصر افشارفر.

۲. ایرادات و اشکالات

همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم، کتاب تاریخ ذوالقرنین را ناصر افشارفر تصحیح کرده و سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، آن را چاپ کرده‌است که در محتوای مقدمه و حواشی متن، خوانش متن، برخی فنون تصحیح، تنظیم فهرست‌ها و نگارش و تایپ آن، ایرادات و اشکالات بسیاری وجود دارد.

۲.۱. ایرادات محتوایی مقدمه و حواشی متن

هرچند مصحح در مقدمه، مطالب بسیار اندکی را بر متن کتاب افزوده‌است، در همین مطالب اندک، اشتباهات آشکاری دیده می‌شود که نمی‌توان از آن چشم پوشید؛ در این جا این اشتباهات را بررسی می‌کنیم:

- مصحح در مقدمه‌ای شش صفحه‌ای، اوضاع تاریخی عصر خاوری، زندگی‌نامه‌ی او و کتاب تاریخ ذوالقرنین را به اختصار معرفی کرده‌است که در این مقدمه‌ی کوتاه، دو مطلب عمده یعنی تاریخ ولادت و تاریخ وفات شاعر را نادرست بیان کرده‌است. دیوان بیگی شیرازی در کتاب *حدیقه الشعراء* که مصحح، تاریخ ولادت خاوری را با استناد به آن، سال ۱۱۹۰ بیان کرده‌است، به این موضوع نپرداخته و دیگر تذکره‌نویسان معاصر خاوری از جمله محمود میرزا قاجار، عبدالرزاق بیگ دنبلی، حاج نایب الصّدر، فاضل خان گروسی و رضاقلی‌خان هدایت نیز با آن که همگی از خاوری و خاندانش به تفصیل و به نیکی یاد کرده‌اند، هیچ کدام به تولّد وی اشاره نکرده‌اند. از تذکره نویسان متأخر عصر قاجار، صاحب فارس‌نامه در این باره چنین نوشته‌است: «در سال هزار و صد و نود و اند در شیراز متولد شد.» (فسایی، ۱۳۶۷: ۹۴۵) صاحب *دانشمندان و سخن‌سرایان فارس* نیز ولادت خاوری را سال ۱۱۹۰ ق. دانسته است. (رکن‌زاده آدمیت، ۱۳۳۸، ج ۲: ۴۱۴)

خاوری در قطعه‌ای، تولّد و نامگذاری خویش را به روشنی بیان کرده‌است:

تخت بخت دولت قاجار چون زینت گرفت
 از محمدشاه اوّل، شاه رضوان جایگاه
 هستیّم را آسمان نقشی برآورد از عدم
 داد اندر این جهانم از کرامت دستگاه
 چون مرادریافت در قنذاقه‌ی راحت به خواب
 جدّ امّی آن‌که در ملک طریقت پادشاه
 کرد فضل‌الله نام و از پی تاریخی من
 گفت «بادا داد ایزد یار با فضل اله»
 (خاوری شیرازی، ۱۳۸۸: چهار)

که با احتساب این ماده‌تاریخ، وی در سال ۱۱۹۹ق. متولّد شده و پدر بزرگش آقا محمدهاشم درویش شیرازی در آخرین سال حیات خود، او را فضل‌الله نامیده‌است.

محمود بن محمد دنبلی متخلّص به خاور، از نویسندگان و شاعران معاصر خاوری که از دوستان او بوده نیز در مقدمه‌ی نسبتاً جامعی که بر دیوان خاوری نوشته، همین تاریخ را با دقت کافی آورده‌است: «میرزای معظمّ الیه از عظمای سادات حسینی دارالعلم شیراز است و ابا عن جد از اعیان و اشراف آن بلده‌ی لازم الاعزاز. در یوم الخمیس تاسع شهر صفر المظفر سنه‌ی یک‌هزار و یک‌صد و نود و نه بعد از انقضای پنج ساعت و دو دقیقه که هنگام وصول نیر اعظم به درجه‌ی کمال بود، در بلده‌ی طیّبه‌ی مذکوره، به طالع اسد، وجود عاقبت محمودش جلوه‌گر عرصه‌ی شهود و شاهد امکانش متمکن مسند وجود آمد» (همان: چهار).

مصصح، سال وفات خاوری را نیز ۱۲۶۶ق. ذکر کرده که به قول او، در تذکره‌ها به آن اشاره‌ای نشده‌است. آنچه مسلم است، خاوری دهه‌ی پایانی عمر خود را در شیراز گذرانده و علاوه بر خدمت‌گزاری در آستان مقدّس حضرت احمد بن موسی (ع)، به تألیف آثار تازه و تکمیل آثار قبلی خود، مشغول بوده‌است. او در اواخر عمر، به گری مبتلا شد و به قول صاحب حدیقه الشعراء: «سرانجام در سال ۱۲۶۷ق. دار فانی را وداع گفت و حسب الوصیه این رباعی خودش را بر سنگ مزارش نوشتند:

ای آن‌که ز درد تو فگاریم همه پیش تو به عجز و انکساریم همه
 از کرده‌ی خویش شرمساریم تمام وز رحمت تو امیدواریم همه»
 (دیوان بیگی، ۱۳۶۴: ۵۳۷)

نکته‌ی قابل ملاحظه‌ی دیگر این‌که مصصح، علاوه بر منابع مورد استناد در شرح حال خاوری، به جای منبع متأخری چون گلزار جاویدان، باید به منابع دست اول دیگری مانند تذکره‌ی انجمن خاقان، اثر فاضل‌خان گروسی، تذکره‌ی دلگشا، اثر میرزا علی اکبرخان نواب شیرازی و از همه مهم‌تر، تذکره‌ی سفینه‌ی المحمود، اثر محمودمیرزا

قاجار، استناد می‌کرد. در حواشی متن - که به لحاظ فنی، اشکالاتی در آن دیده می‌شود و در جای مناسب به آن خواهیم پرداخت - نیز در بیان برخی موضوعات، اشتباهات آشکاری صورت گرفته که در این جا به مواردی اشاره می‌کنیم:

ص ۹۶۲، حاشیه‌ی شماره‌ی ۱: این قطعه در تذکره‌ی خاوری و نسخه‌ی دوم، ملی نیامده‌است: بیت اول قصیده‌ای که مصحح آن را قطعه دانسته، این است:
شاه را در ملک اگر معمار، دینداری بود دائماً ملکش ز ویرانی همی عاری بود

ص ۹۶۵، حاشیه‌ی شماره‌ی ۳: در نسخه‌ی دوم ملی این قطعه نیامده...: این حاشیه نیز درباره‌ی غزلی است که بیت پایانی آن، این است:

به یک دم از مدد طبع، این غزل منظوم که نظم چون خشت و طبع خاوری خراط
ص ۱۱۱۸، حاشیه‌ی شماره‌ی ۱: غیر از مصرع اول بیت نخست، باقی قطعه در تذکره‌ی خاوری موجود نیست: این اظهار نظر نیز درباره‌ی قصیده‌ای پنجاه و پنج بیتی و مشهور در مدح همایون میرزاست که خاوری در ابتدای آن، درباره‌اش چنین نوشته - است: «مؤلف را قصیده‌ای در تهنیت میلاد این مولود مسعود، مشعر بر تاریخ ولادت به جهت یادگار در این صحیفه ثبت افتاد.» (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۱۱۴) و با این بیت آغاز می‌شود:

زین همایون مهد در عهد فراغت کشوری است کشوری در مهد آسایش ز عدل داوری است

۲. ۲. غلط‌های خوانش متن

در تصحیح، مهم‌ترین کار، خواندن صحیح و پیاده کردن درست متن نسخه است؛ به - ویژه در متن‌های تاریخی که غلط خواندن آن، می‌تواند منشأ اشتباهات ادبی، تاریخی و اجتماعی گردد. متأسفانه این مهم در این تصحیح، رعایت نشده و متنی صحیح در دسترس علاقه‌مندان قرار نگرفته‌است. از آن جا که متن کتاب تاریخ ذوالقرنین، حجیم است، در این مقاله، اشعار این متن را که نزدیک به دو هزار بیت است و موضوعات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی مهمی در آن مطرح شده، به عنوان نمونه انتخاب و غلط‌خوانی‌های آن را بررسی می‌کنیم:

ص ۹۵، ب: چو عشق بر سر خشم است ترک جان اولی / که چاره می‌توان کرد خشم سلطان
را

در مصرع دوم، «می نتوان کرد» را «می توان کرد»، خواننده و وزن نیز اشکال پیدا کرده‌است.

ص ۱۲۴، ب ۳: سوری چنان‌که درکه‌ی وجد و سماع آن/ از مهر و ماه، دهر به چرخ افکند کلاه
در مصرع اول بیت، «در گه» به معنای «در وقت» به غلط «درکه‌ی» خوانده شده‌است.
ص ۲۱۲، ب ۲۱۲: با تیغش آتش خو شده کار عدو یک‌رو شده / با فتح همزانو شده با بخت همراه آمده
در مصرع اول این بیت نیز «تا» به اشتباه «با» خوانده شده‌است.

ص ۲۱۲، ب ۶: با صولت رستم شده جایش چو بر/ و هم شده/ با همت حاتم شده چون بر سر گاه آمده
در مصرع اول این بیت نیز «ادهم» به اشتباه «او هم» خوانده شده‌است.

ص ۲۲۰، ب ۱: محمدخان افغان نهی شد طاغی از دارا / ازین طاغی شدن عالم بسی کردند توبیخش
این بیت، بیت اول قطعه‌ای است که خاوری در تاریخ افتتاح قلعه‌ی «نرماشیر»
سروده و در صفحه‌ی قبل آن، درباره‌ی این حادثه چنین نوشته‌است: «تبیین این مقال
آنکه از قراری که در داستان سنه‌ی ماضیه نگارش یافت، نوروزخان قاجار، میر بار، با
لشکری جرّار به دفع محمدخان افغان نابکار به صوب ولایت «بم» و «نرماشیر» شتافت.
بعد از ورود او، محمدخان قلعه‌ی بم را از بیم جان گذاشته و ...» (خاوری شیرازی،
۱۳۸۰: ۲۱۹)؛ بنابراین شاعر به این محمدخان افغان، لقب «بمی» داده و مصحح به
اشتباه آن را «نهی» خوانده‌است.

ص ۴۵۵، ب ۸: سرافرازان عالم اندرین بزم / هماره دست‌فشان و پای‌کوبان
با توجه به وزن شعر، مصرع دوم چنین بوده‌است: هماره دست‌افشان پای‌کوبان
ص ۵۰۸، ب ۳: در گاه خلق مایه‌ی کلکش بسی مزید/ در نظم ملک عرضه‌ی فکرش بسی
وسیع

در مصرع دوم این بیت نیز «عرصه» به اشتباه «عرضه» خوانده شده‌است.
ص ۵۰۸، ب ۱۲: اندر بهای طاعت، خلد برین ستاند/ بایع چو آنچنان بودش همچنین منبع
در مصرع دوم این بیت نیز «مبیع» به اشتباه «منیع» خوانده شده‌است.
ص ۵۴۶، ب ۴: چون بی‌کران پای بنهادی یلی اندر یلی / چون به ایوان پای بگزیدی مهی اندر
مهی

در این بیت نیز (به یکران)، (بی کران) و (جای)، (پای) خوانده شده‌است.
ص ۵۸۴، ب ۹: ذکری از آن جا برد از عاشقان / نامی از خون دل آشنا می‌برد

در مصرع اول بیت فوق نیز «ار» به اشتباه «از» خوانده شده و در مصرع دوم نیز ترکیب «خون دل آشامی» به اشتباه به صورت «خون دل آشنا می» خوانده شده است. ص ۷۷۶، ب ۱: از سپاه مغربش در پی قدم اندر قدم / وز بلوک مشرقش بر در جباه اندر جباه

در مصرع دوم این بیت، نیز واژه‌ی «ملوک» به اشتباه «بلوک» خوانده شده است. ص ۸۵۲، ب ۹: ز پشت پشت به ایلات فارس نیل بکی / شد نتیجه‌ی آن دودمان پریشان حیف در مصرع اول این بیت نیز واژه‌ی «ایل بگی» (رئیس ایل)، به صورت «نیل بکی» آمده است.

ص ۸۹۹، ب ۲: یکی از می پرستان چرخ دیگر دی مهر چون می را / همی در شامگاهان بلع و اندر بامدادان فی

در مصرع اول این بیت، فعل «کردی» به صورت «دگردی» آمده است و در مصرع دوم نیز واژه‌ی «قی» به اشتباه «فی» خوانده شده است. ظاهراً شاعر می خواسته بگوید: چرخ مانند یکی از می پرستان خورشید چون شراب را در شامگاهان بلع و در بامدادان قی کرده است.

ص ۹۵۹، ب ۶: به خاک سینه‌ی ما طعنه می زنند جهان / ندیده‌اند مگر چاک آن گریبان را در مصرع اول این بیت نیز «چاک» به اشتباه «خاک» خوانده شده است. ص ۹۶۸، ب ۱: حق گزار دنیی است و حق شناس آخراست / شهریار صوری است و تاجدار معنوی

در این بیت نیز «آخرت» در مقابل دنیی، به اشتباه «آخراست» خوانده شده است. ص ۹۷۱، ب ۱: آمد از فیض احد عباس شاه اندر وجود / در لوی دلگشا همسایه‌ی فیروزکوه

در مصرع دوم این بیت نیز واژه‌ی «نوا» که نام قریه‌ای معروف در شمال ایران است و بسیاری از شاهزادگان قاجار در آنجا متولد شده‌اند و در این کتاب نیز بارها تکرار شده، به اشتباه «لوا» خوانده شده است.

ص ۹۸۴: قصیده در مدح عبدالله میرزا فرزند فتحعلی شاه

خاوری این قصیده را که تمام حروف آن مقطعه (جدا) است، در مدح عبدالله میرزا، متخلص به دارا از پسران فتحعلی شاه، سروده است. خواندن این قصیده کمی دشوار

است و مصحح نیز دقت لازم را نداشته‌است. در این‌جا غلط‌خوانی‌های متن این قصیده را بررسی می‌کنیم:

ص ۹۸۴، ب ۲: داراب زاب زردی و دارای زال دل / در راه او ز روی ادب اردوان دوان
در مصرع اول این بیت، واژه‌ی «زور» به اشتباه «زردی» خوانده شده‌است که در وزن، اختلال ایجاد کرده و یقیناً مصحح نیز معنای کلمه‌ای را که آورده، متوجه نشده است.

ص ۹۸۴، ب ۱۲: داده ز رای و رخ درق وردر رواج / آزر و داغ در دل و روی ارم از آن
مصرع اول بیت، چنین بوده است: داده ز رای و رخ ورق ورد (گل سرخ) را رواج
ص ۹۸۴، ب ۱۳: آن روی آب دُرد و ز آزر روی او / ز اوراق ورد در ره اودی ورق دران
در مصرع اول این بیت نیز واژه‌ی «ورد» به اشتباه «دُرد» خوانده شده‌است؛ در مصرع دوم نیز اگر واژه‌ی «اودی» را به معنای بیابان؟ بخوانیم، باید بعد از اوراق، علامت «،» بگذاریم. شاید هم بتوانیم «در ره او دی» بخوانیم.

ص ۹۸۴، ب ۱۴: رزاق او ز روز ازل دور از دول / در دام راه دارد از آرزوی وان
گرچه مفهوم این بیت کمی مبهم است، مسلماً در مصرع دوم با توجه به کلمه‌ی «دام» در اول مصرع، در پایان مصرع نیز «دان» به جای «وان» مناسب‌تر است.

ص ۹۸۴، ب ۱۵: آری ز رزق او را روی آورد دول / زال از دُرر درآورد از دوک و دوک وان
در مصرع دوم این بیت، واژه‌ی «دوکدان» به اشتباه «دوک وان» خوانده شده؛ ظاهراً شاعر می‌خواسته بگوید دولت‌ها برای رزق، به ممدوح روی می‌آورند.

ص ۹۸۴، ب ۱۶: دارد ز زرق در ورق زر زرد رخ / در زرد روی او دم دوران دی وزان
مصرع اول این بیت، باید چنین خوانده شود: دارد ز زرق دو ورق زر ز زرد رخ؛ یعنی از دورویی و شرمندگی ناشی از آن، دو گونه‌اش مانند دو ورق زر، زردرنگ شده است.

ص ۹۸۵، ب ۱: رزاق را ز روزن دل روزی درام / روزی و دود او را ز آب دل رزان
خواندن این بیت، دشوار است، اما یقیناً واژه‌ی پایانی مصرع اول «دوام» است.

ص ۹۸۵، ب ۲: دارا و دور داورش از داوری زوال / دور از زوال وارث دارا و اردوان
در ابتدای این بیت، به جای فعل دعایی «داراد»، به اشتباه «دارا و» آمده‌است.

ص ۹۹۱، ب ۲: ز مرگ کور جهان شد ز زندگی روشن / کجا دلا اثر توبناست با زرنیخ
در مصرع دوم این بیت، ظاهراً واژه‌ی «توتیا» به اشتباه «توبنا» خوانده شده‌است.

ص ۱۰۱۴، ب ۸: آن برگزیده جامه به تن راست ساختن / و آن که به ناز در بر عاشق چمیدنش
در مصرع دوم این بیت، «وان گه» به اشتباه «و آن که» خوانده شده است.

ص ۱۰۲۴، ب ۶: نه تنها به پیراهن کند رنگ‌ریزی / که رنگ از رخ نوجوانان سترده

در این بیت نیز واژه‌ی «پیران» در مصرع اول، به اشتباه «پیراهن» خوانده شده است.

ص ۱۰۲۹، ب ۵: بهر تاریخ وفاتش خاوری گفتا که باد / بدر عالم دائماً با صدر کیهان هم‌نشین

خاوری در ابتدای این قطعه، درباره‌ی موضوع آن، چنین نوشته است: «قطعه‌ای در

تاریخ این سور پر سرور [نکاح آغاییگم، دختر فتحعلی شاه، با میرزاعلی صدرالممالک]

از طبع مؤلف تراوید.» (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۰۲۹). کاش مصحح محترم در

خواندن این بیت، به موضوع قطعه نیز توجه می‌کرد و «زفافش» را «وفاتش» نمی‌خواند.

ص ۱۰۳۴، ب ۶: دری آراست در این سال همایون سوری / که روان گشت از آن سور بر

افلاک صدا

در مصرع اول این بیت، ترکیب «در ری» به اشتباه «دری» خوانده شده است.

ص ۱۰۵۷، ب ۵: آخر ز ستم گردون، بگرفت ز شاهنشاه / گلزارکزین عرصه، شمشاد نکو رفتار

در مصرع دوم این بیت، واژه‌ی «گُزین» به اشتباه «کزین» خوانده شده است.

ص ۱۰۶۴، ب ۸: موسی و عیسی ضرورت است به امت / کار نبوت کجا ز گاهِ خسر آید

در مصرع دوم ترکیب «گاه خر»، با سکون «ه» به اشتباه با کسره‌ی اضافه خوانده شده.

ص ۱۰۶۵، ب ۱: ای فریدون شه ترخم به اهل روزگار / جاودان در روزگار از حکمرانی بایدت

در مصرع دوم این بیت، «ار» به اشتباه «از» خوانده شده است.

ص ۱۰۶۵، ب ۴: ملک جم بی پاسبان بود / این خدیو روزگار / گرچه خود شاهی ولیکن پاسبانی بایدت

در مصرع اول این بیت، «ای» به اشتباه «این» خوانده شده است.

ص ۱۰۷۰، ب ۶: نوشت خاوریش به / اسیر الم تاریخ / شهید جور عدو میرزا محمدصدر

در مصرع اول این بیت، «با سر» به اشتباه «به اسیر» خوانده شده است.

ص ۱۰۹۵، ب ۲: عاقبت از صدمه‌ی سم جسم او را خاک ساخت / قوس گردون دو روزی گر

کسی را رام شد

در مصرع دوم این بیت، واژه‌ی «توسن» به اشتباه «قوس» خوانده شده است.

ص ۱۰۹۵، ب ۸: آنکه در بزم طرب شهر امل در جام داشت / ناگهان زهر اجل آلوده‌اش در کام

شد

در مصرع اول این بیت، واژه‌ی «شهد» به اشتباه «شهر» خوانده شده است.

۸۸ ————— مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) / سال ۷، شماره‌ی ۴، تابستان ۱۳۹۴ (پیاپی ۲۶)

ص ۱۱۱۴، ب ۹: هم حریم حرمتش را عرش فرش کهنه‌ای / هم عقاب پیل کش را چرخ صید
لاغری است

در این بیت، واژه‌ی «بیلکش» (تیر دو شاخ ممدوح)، «پیل کش» خوانده شده‌است.
ص ۱۱۱۴، ب ۱۱: کاخ را جودآفرینی خود را رونق‌دهی / دشت را رزم‌آزمایی رزم را زورآوری
است

در مصرع اول این بیت، واژه‌ی «جود» درست بوده که به اشتباه، «خود» خوانده شده
است.

ص ۱۱۱۶، ب ۳: پور شاه عالم و اعظم ز هر فرماندهی / مهر صدر اعظم و اعلم ز هر دانشوری
است

این بیت، از قصیده‌ای است که خاوری آن را در مدح همایون‌میرزا، فرزند
فتحعلی‌شاه و داماد میرزا محمدشفیع صدراعظم، سروده و در آن به همین دو موضوع
اشاره کرده‌است؛ بنابر این واژه‌ی «صهر» به معنی داماد، در مصرع دوم به غلط «مهر»
خوانده شده‌است.

ص ۱۱۱۶، ب ۵: آن‌چنان گوهر که مهرش در صدف چون غازه‌ای / آن‌چنان کوب که ماهش
از شرف چون معجزی است

در مصرع اول این بیت، واژه‌ی «معجری» به اشتباه «معجزی» خوانده شده‌است.

ص ۱۱۴۱، ب ۷: ز صلب قریوسف ترکمان / هم از باطن قاجار دارد نشان

در مصرع دوم این بیت، واژه‌ی «بطن» به اشتباه «باطن» خوانده شده‌است.

ص ۱۱۴۲، ب ۱: سماعیل‌خان آن یل بندی / وطن مفتخوان و مکان ملک ری

در این بیت نیز «هفتخوان» (مازندران)، به اشتباه «مفتخوان» خوانده شده‌است.

ص ۱۱۴۲، ب ۷: به نام و لقب شد نظیر نیا / نیایش ز فردوس در هر حبا

در مصرع دوم این بیت، واژه‌ی «مرحبا» به اشتباه «هر حبا» خوانده شده‌است.

ص ۱۱۴۲، ب ۱۵: سه مه بیش از سال پنجاه و چار / به شه زینت عرصه‌ی روزگار

در مصرع دوم این بیت، «بشد» به اشتباه «به شه» خوانده شده‌است.

ص ۱۱۵۱، ب ۲: نی غرض بل جوهر است اندر وجود او جلال / همچو آن گوهر که هم از
بحر موجود آمده

در مصرع اول این بیت، واژه‌ی «عرض» به اشتباه «غرض» خوانده شده‌است.

ص ۱۱۵۲، ب ۹: شد مسمی پیشوای دومین یعنی حسن / هرچه نیکویی در این مولود موجود
آمده

خاوری در اشعارش، خصوصاً در قطعات، بارها واژه‌ی «سَمِی» را به معنای همنام به کار برده که مصحح در این بیت، به اشتباه آن را، «مسمی» خوانده‌است.

۲.۳. برخی افتادگی‌ها و اضافات در خوانش متن

در بسیاری از ابیات، کلماتی افتاده و گاه نیز کلماتی بر متن اضافه شده‌است:
ص ۲۵۰، ب ۶: دوستانش نی غمین تنها از این الم / چرخ دشمن نیز از این کار دلگیر آمده
در مصرع اول این بیت، بعد از کلمه‌ی «تنها»، اشکال وزن وجود دارد و کلمه‌ای

افتاده‌است؛ مثلاً می‌تواند به جای «از این» ترکیبی مانند «ز رنج این» باشد.

ص ۵۰۸، ب ۱: بر قامت موالی تشریف او شریف / ر دیده‌ی اعالی توقیع او وقیع

در آغاز مصرع دوم، کلمه‌ی «در» به صورت «ر» نوشته شده‌است.

ص ۷۶۳، ب ۱۴: چون بد گریختی ز صف کار خصم / تاریخ آن نوشت خرد بد گریختی

در مصرع اول این بیت، کلمه‌ی «کارزار» به صورت «کار» آمده‌است.

ص ۷۷۸، ب ۶: با نشاط از فکر و رای تو چون عالم ز علم / در نُمُو از رای او بخت تو چون

کودک ز راه

در مصرع اول، بعد از کلمه‌ی فکر، «او» بوده که فقط «و» آن نوشته شده‌است.

ص ۹۳۵، ب ۱: دو فروردین به عالم... ظاهر قدرت سبحان / ز فرّ بخت سلطان و ز فیض ابر

نیسانی

در مصرع اول این بیت، بعد از واژه‌ی عالم، فعل «کرد» افتاده‌است.

ص ۹۸۴، ب ۹: درد از درون زدوده ز ادراک ذوق زای / در رود ذوق ادراک او روان

در مصرع دوم این بیت، واژه‌ی «زورق» بعد از «ذوق» افتاده‌است.

ص ۱۰۱۵، ب ۶: وه چه دختر! مهر برج داور گردون قرین / وه دختر درّ درج خسرو صاحبقران

در مصرع دوم این بیت، واژه‌ی «چه» قبل از کلمه‌ی «دختر» افتاده‌است.

ص ۱۰۶۵، ب ۷: تربیت از مهر با هر نهال این چمن / احتیاط افزون زباد مهرگانی بایدت

در مصرع اول این بیت، از واژه‌ی «مهر»، کلمه‌ای یک هجایی نظیر «گر» افتاده‌است.

ص ۱۱۵۱، ب ۷: خواست تا گویند آثاری است این از مطبخش / زان سبب افلاک اندر دیده

دود آمده

در مصرع دوم این بیت، بعد از واژه‌ی «دیده»، کلمه‌ی «چون» حذف شده‌است.

در ابیات زیر نیز کلماتی اضافه بر متن، آمده‌است:

۹۰ _____ مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) / سال ۷، شماره‌ی ۴، تابستان ۱۳۹۴ (پیاپی ۲۶)

ص ۳۵۱، ب ۹: شام تاسوعا فزون شد خون حزن خلق / زانکه افزون شد عزای انس و جان
در مصرع اول این بیت، کلمه‌ی «خون» اضافه است.
ص ۱۰۵۳، ب ۸: بی بهر و گرچه ز اعقاب لیکن بماندش / نام از بس که کرد نیکی از نیکویی
به مردم
این بیت، ظاهراً چنین بوده است: بی بهره گر ز اعقاب لیکن بماندش نام / از بس که
کرد...
ص ۱۱۴۲، ب ۱۴: نه کاکل که دارد که شرف از سرش / که باشد ز خوبی به سر افسرش
در مصرع اول این بیت نیز «که» دوم اضافه است.

۲. ۴. اشکالات فنی

اشکالات فنی متن به طور کلی در دو بخش اشکالات فنی تصحیح و اشکالات فنی نگارش قابل طرح است، که در این جا با ذکر شواهدی، به بررسی این دو موضوع می‌پردازیم.

۲. ۴. ۱. اشکالات فنی تصحیح

در این تصحیح، برخی اصول فنی رعایت نشده است که به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:
۲. ۴. ۱. ۱. نبود مقدمه‌ای کامل در شرح احوال، آثار و سبک نویسندگی شاعر
معمولاً یکی از آداب و اصول تصحیح، آن است که مصحح پیش از ورود به متن اصلی، مقدمه‌ای نسبتاً جامع در شرح احوال و افکار مؤلف، معرفی خاندان و معرفی آثار او، تحلیل سبک شعری و نویسندگی شاعر یا نویسنده و رسم الخط نسخه‌ها، فراهم می‌آورد و بدین طریق ذهن خواننده را برای ورود به متن اصلی، آماده می‌کند. این تصحیح، چنین مقدمه‌ای ندارد و مصحح در مقدمه‌ای بسیار مختصر، صرفاً به معرفی خاوری و نسخه‌های دیوان اشعار او بسنده کرده است. به نظر می‌آید، شناخت کم مصحح از سبک نویسندگی مؤلف، در موارد زیادی، به تصحیح نادرست و غلط خوانی متن، منجر شده است. علاوه بر این، مصحح درباره‌ی شیوه‌ی تصحیح کتاب و این که در تصحیح متن از کدام روش استفاده کرده و یا از کدام متن‌های مصحح، الگوبرداری کرده، توضیحی نداده است. ضمن آن که موضوع کتاب ایجاب می‌کرده که مصحح، فصلی مفید در اوضاع تاریخی - اجتماعی عصر مؤلف و معرفی چهره‌های تاریخی ناشناخته‌ی معاصر او، به خوانندگان این کتاب تاریخی و ارزشمند، تقدیم کند.

۲. ۴. ۱. ۲. نبود نسخه‌بدل‌های دقیق و مشخص و تعلیقات مناسب

نسخه‌بدل‌ها، از طرفی مؤید دقت و اعتبار کار مصحح است و از طرف دیگر، درجه‌ی اعتماد محققان متون ادبی را به تصحیح او بالا می‌برد؛ زیرا ضبط‌های نسخه‌های بدل و قیاس آن‌ها با ضبط‌های نسخه‌ی اساس، به منزله‌ی آینه‌ای است که اصالت یا عدم اصالت نسخه‌ها و استواری شناخت مصحح و روش تصحیح او را منعکس می‌کند و بهتر است نمایه‌های اختلاف نسخ در جایگاه خاص آن‌ها ضبط شود. (مایل هروی، ۱۳۸۰: ۴۸۰) در این تصحیح، مصحح ضبط نسخه‌بدل‌ها را در حاشیه‌ی متن آورده‌است؛ اما این ایراد عمده بر کار او وارد است که مصحح در تطبیق ضبط‌های نسخه‌بدل‌ها با ضبط‌های نسخه‌ی اساس، تأمل کافی نداشته و مواردی را که احياناً نسخه‌بدل‌ها بر نسخه‌ی اساس برتری داشته، شناسایی و جانشین نسخه‌ی اساس نکرده‌است. در مواردی نیز رسم‌الخط نسخه‌ها را به جای نسخه‌بدل آورده است. در این‌جا برای هر یک از موارد بالا، مثال‌هایی می‌آوریم:

ص ۱۲۳، ب ۹: صدر جلیل‌قدر جهان میرزا شفیع / کز فخر سوده در ره او عارفان جاه
در حاشیه‌ی شماره‌ی ۲ صفحه‌ی یادشده، ضبط نسخه‌بدل مجلس، به جای «جاه»،
«جباه» بوده که باید به جای ضبط نسخه‌ی اساس، در متن می‌آمده و نیامده است.

ص ۶۸، ب ۳: آن که بر قوم سماعیلی امام / زین امامت یاریش اکراه بود
در حاشیه‌ی شماره‌ی ۲ صفحه‌ی یادشده، ضبط نسخه‌بدل مجلس، به جای
«یاریش»، «باریش» بوده که باید به جای ضبط نسخه‌ی اساس، در متن می‌آمده و نیامده
است.

ص ۵۴۸، ب ۹: به هر جولان که شد باران هزاران صید و یک ناوک / به هر میدان که شد تازان
هزاران گوی و یک چوگان

در حاشیه‌ی شماره‌ی ۱ صفحه‌ی یادشده، ضبط نسخه‌بدل مجلس، به جای «باران»،
«یازان» بوده که باید به جای ضبط نسخه‌ی اساس، می‌آمده و نیامده است.

ص ۵۳۳، ب ۳: در عوض این غضب خلد نصیب است و بس / دوست بشارت را ثبت به
فرمان نمود

در حاشیه‌ی شماره‌ی ۱ این صفحه، ضبط نسخه‌ی مجلس، «فرقان»، بر ضبط
نسخه‌ی اساس، «فرمان»، ترجیح دارد و باید در متن، جانشین نسخه‌ی اساس شود و
نشده است.

همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم، یکی دیگر از کاستی‌های این تصحیح، نبود مقدمه‌ای جامع و کافی، شامل مباحث لازم و معمول درباره‌ی رسم‌الخط نسخه‌های کار به‌انجام‌رسیده است. علاوه بر این که چنین مبحثی، در مقدمه‌ی کوتاه مصحح نیامده، در موارد بسیاری نیز در حواشی متن، آن‌چه به رسم‌الخط نسخه‌ها مربوط می‌شود، جانشین ضبط نسخه‌بدل‌ها شده که این موضوع نیز از نقایص کار محسوب می‌شود. در این‌جا چند نمونه را نقل می‌کنیم:

ص ۲۳۹، ب ۶: از خرد کردم سوال قتل او حیران صفت / در جوابم گفت تاریخش بلی ایشپخدر این در حاشیه‌ی شماره‌ی ۱ صفحه‌ی یادشده، ضبط نسخه‌ی ملی به جای «سؤال»، «سؤال» آمده که رسم‌الخط است و آوردن آن، در بخش نسخه‌بدل‌ها صحیح نیست.

ص ۸۶۸، ب ۱۳: پاداش این نمک به حرامان چنین بود داریم بس حکایت از رفتگان به یاد در حاشیه‌ی شماره‌ی ۱ صفحه‌ی یادشده، ضبط نسخه‌ی مجلس و ملی به جای «رفتگان»، «رفته گان» آمده که رسم‌الخط است و آوردن آن، در بخش نسخه‌بدل‌ها لازم نیست.

ص ۸۹۹، ب ۴: چنان بذلی درین عیش مهنا کرد در عالم / که آمد نام آن نام‌آوران، قآن و حاتم طی

در حاشیه‌ی شماره‌ی ۱ صفحه‌ی یادشده، ضبط نسخه‌های مجلس و ملی به جای «قآن»، «قآآن» آمده که رسم‌الخط است و آوردن آن، در بخش نسخه‌بدل‌ها لازم نیست.

ص ۱۰۳۵، ب ۱: خنده زین عیش نمودند بسی خُرد و بزرگ / بهره زین سور گرفتند بسی شاه و گدا

در حاشیه‌ی شماره‌ی ۱ این صفحه نیز ضبط نسخه‌ی ملی به جای «خُرد»، «خُورد» آمده که رسم‌الخط است و آوردن آن، در بخش نسخه‌بدل‌ها لازم نیست.

نکته‌ی مهم دیگر آن‌که، مصحح، توضیحاتی را که معمولاً در بخش تعلیقات می‌آورند، در حواشی متن آورده و در واقع بخش تعلیقات را نیز در بخش نسخه‌بدل‌ها داخل کرده‌است. باید یادآور شد که گرچه مصححان در باره‌ی آوردن یا نیاوردن تعلیقات، متفق‌القول نیستند، مصحح تعلیقه‌هایی را در حواشی متن آورده‌است که بهتر بود: اولاً این یادداشت‌ها در بخش جداگانه‌ای در پایان متن اصلی، تنظیم و از نسخه‌بدل‌ها جدا می‌شد و ثانیاً چون متن، تاریخی است، موارد ضروری و مهم مانند حوادث و شخصیت‌های تاریخی، توضیح داده‌می‌شد.

۲. ۴. ۱. ۳. **نقص در تنظیم فهرست‌ها:** فهرست‌های یک متن تصحیح‌شده نیز از بخش‌های مهم کار مصحح است؛ به طوری که کم‌دقتی در این کار، تصحیح را از رسایی و کمال لازم به دور می‌دارد. در این تصحیح برخی فهرست‌های لازم، مانند فهرست ابیات و مصرع‌های به کار رفته در متن، تنظیم نشده‌است و فهرست‌های تنظیم‌شده نیز کاستی‌های قابل تأملی دارد. تداخل نام‌های اشخاص در فهرست نام اشخاص، ناهماهنگی شماره‌ی بسیاری از صفحات با فهرست‌ها و نبود برخی نام‌های موجود در متن، در فهرست‌ها از جمله‌ی این کاستی‌هاست.

مسئله نبودن و توجه کافی نداشتن مصحح به متن، باعث شده تا نام بسیاری از اشخاص به اشتباه، به جای نام اشخاص همانم فهرست شود؛ در حالی که متن، تاریخی است و تنظیم دقیق فهرست نام‌های اشخاص، اهمیتی ویژه دارد. این اشکال در مطالعه‌ی متن، برای خواننده‌ی دقیق و آشنا با تاریخ، کاملاً آشکار است و مصحح یا کسانی که فهرست‌ها را تنظیم کرده‌اند، در این کار کم‌دقتی کرده‌اند. در این جا به ذکر چند نمونه بسنده می‌کنیم:

ص ۷۵، **میرزا محمدتقی خان یزدی:** این نام در این صفحه تیتراژ شده و مؤلف توضیحاتی قابل توجه درباره‌ی او آورده است؛ حال آن‌که چنین نامی در فهرست اشخاص نیامده و شماره‌ی این صفحه نیز در فهرست اشخاص، ذیل نام میرزا محمدتقی صاحب مازندرانی آمده‌است.

ص ۵۶۵، **میرزا محمدتقی آشتیانی مستوفی:** وی نیز از رجال معروف عصر قاجار است و در فهرست اشخاص، به اشتباه ذیل نام میرزا محمدتقی صاحب مازندرانی فهرست شده‌است.

ص ۱۰۰۴، **کامران میرزا:** از فرزندان فتحعلی‌شاه است و نامش در فهرست اشخاص نیامده‌است.

۲. ۴. ۲. **اشکالات فنی نگارش:** نگارش این تصحیح نیز اشکالات قابل توجهی مانند اتصال حرف اضافه‌ی «به» به کلمات بعد از آن، غلط‌های نگارشی و غلط‌های املائی دارد که در این جا به مواردی اشاره می‌کنیم:

۲. ۴. ۱. **شیوه‌ی نگارش:** مصحح، شیوه‌های نگارشی جدید را الگو قرار داده و نگارش نسبتاً درست و تایپ صحیح متن، از محسنات تصحیح اوست؛ اما در مواردی،

اشکالات نگارشی آشکار و غیرقابل توجیهی در متن وجود دارد که در این‌جا نمونه‌هایی ذکر می‌شود.

- حرف اضافه‌ی «به» در مواردی به کلمه‌ی بعد از خود، متصل نوشته شده‌است:

ص ۵۵۷، ب ۳: بود احباب جاهت را به سر افسر پیر دلبر بود اعدای دینت را به تن خنجر به دل پیکان

ص ۸۶۸، ب ۱۳: پاداش این نمک به حرامان چنین بود / داریم بس حکایت از رفتگان بیاد

ص ۹۶۰، ب ۱: به این خیال که روزی گرفته دامن دوست / همی بدیده کشم خار این بیابان را

ص ۹۷۶، ب ۸: ز بس روشنی روشنان سپهر / بیایش گذارند هر دم جباه

ص ۱۰۱۴، ب ۸: آن برگزیده جامه به تن راست ساختن / وانگه بنساز در بر عاشق دویندنش

- گاه نیز پیشوند «ب» به صورت «به» بر سر فعل قرار گرفته که رسم‌الخط نسخه

بوده و به شیوه‌ی جدید نوشته نشده‌است:

ص ۱۰۶۷، ب ۱: دریغ از منوچهر خورشیدچهر / که روز جوانی به رفت از جهان

۲. ۲. ۴. غلط‌های نگارشی و املائی: گاه نیز متن غلط‌های نگارشی و املائی

آشکاری دارد؛ مانند رعایت نکردن نشانه‌ی «ی» یا «ء» در کلمات مضاف مختوم به «ه»؛

غلط نوشتن همزه و غلط نوشتن برخی حروف که در این‌جا نمونه‌هایی بیان می‌شود:

- نشانه‌ی «ی» یا «ء» در پایان بسیاری از کلمات مختوم به «ه»، نوشته نشده‌است:

ص ۱۲۴، ب ۵: اندازه سرور فزون شد ز عرش و فرش / آوازه سرود روان شد به مهر و ماه

ص ۱۹۹، ب ۲: ملک به فرقه تجار و معتبر در دهر / وطن به عرصه قزوین و مفتخر از ایل

ص ۴۸۵، ب ۸: روشن آمد دیده یاران ز نور / کور شد چشم اعدای از سبیل

ص ۵۰۸، ب ۳: در گاه خلق مایه کلکش بسی مزید / در نظم ملک عرصه فکرش بسی وسیع

- علامت همزه در برخی کلمات اشتباه نوشته شده‌است:

ص ۸۶۸، ب ۱۶: ز آباء در خراسان ایلخان بود / به لب آبای او را زان بنی حیف

ص ۹۰۶، ب ۶: محمدمیرزا را دید افزون / ز بناء گزین اندر معارک

ص ۱۰۶۵، ب ۱۴: ارمغانی جان‌فشانی را چه آوردی بیار / در ازاء جان‌فشانی ارمغانی بایدت

ص ۱۰۷۰، ب ۳: ز آفتاب ضمیرش گرفته مهر، ضیاء / چنان‌که پرتو مهر اوفتاده بر مه بدر

در این ابیات، کلمات «آباء» و «ضیاء» همزه نمی‌خواسته و کلمات «ازاء» و «ابناء»

نیز باید به صورت «ازای» و «ابنای» نوشته می‌شده‌است؛ گاه نیز کلماتی همچون

«شان»، «توأم» و «رای» بدون علامت همزه «ه»؛ مثلاً به صورت «شان» آمده که احتمالاً

اشتباه تایپی است. در ابیات زیر نیز در ترکیبات مشخص شده، همزه به اشتباه حذف شده است:

ص ۵۰۸، ب ۶: دادی به هرکه خواستی از جود خواسته / دیگر نیافتی که شریفست یا وضع
 ص ۱۰۶۴، ب ۸: موسی و عیسی ضرورتست به امت / کار نبوت کجا ز گاه‌خر آید
 - در ابیات زیر نیز غلط‌های املائی آشکار است:
 ص ۹۶۸، ب ۱: حق گذار دینی است و حق شناس آخرت / شهریار صوری است و تاجدار
 معنوی

ص ۱۰۲۴، ب ۲: ز بیداد خالیگر چرخ افغان / که جز زهر، کس شهدی از وی نخورده
 - از آن‌جا که متن، تاریخی است و ماده‌تاریخ‌ها، ارزش تاریخی خاصی دارد، بهتر بود
 ماده تاریخ قطعات در گیومه نوشته و در موارد مهم، سال ماده‌تاریخ‌ها نیز محاسبه
 می‌شد.

- با آن‌که تایپ صحیح متن از محسنات این تصحیح محسوب می‌شود، در موارد قابل
 توجهی فاصله‌ی کلمات، به ویژه فاصله‌ی حروف اضافه، با کلمه‌ی بعد از آن، در تایپ
 درست رعایت نشده و این اشکال گاه باعث اشتباه مخاطب در خواندن متن می‌شود.

۳. نتیجه‌گیری

تاریخ ذوالقرنین، متن تاریخی دست اول و ارزشمندی است که تصحیح آن، به حوصله
 و دقت بیش‌تری احتیاج داشته‌است. هرچند مصحح، در تصحیح و چاپ این متن،
 زحماتی را متحمل گردیده، در این تصحیح، به‌ویژه در تألیف مقدمه، حواشی متن،
 خوانش متن، تنظیم فهرست‌ها و شیوه‌ی نگارش، کم‌دقتی و کوتاهی قابل توجهی
 داشته‌است. این مسأله، خواننده‌ی آشنا با تاریخ و ادبیات ایران را نگران می‌کند که مبادا
 تصحیح و چاپ ضعیف نُسَخ خطی، با هدف افزودن بر تألیفات، جانشین روحیه‌ی
 محققانه گردد و کار تصحیح که در این مرز و بوم، پیش‌کسوتان بزرگی چون علامه
 قزوینی، مجتبی مینوی، پرویز ناتل خانلری، امیرحسین یزدگردی و صدها مصحح
 شاگرد این بزرگان را به خود دیده‌است، به دست ناآشنایان با این فن دقیق افتد و کار
 آن‌چنان که باید، به انجام نرسد. در هر حال در این مختصر، ایرادات و اشکالات تصحیح
 اشعار این کتاب تاریخی، بررسی شد و مطمئناً اگر اهل فن، نثر این کتاب را نیز بررسی
 و نقد کنند، به مطالب و نکات ارزشمندی دست خواهند یافت؛ امید است مصحح
 محترم، در چاپ‌های بعدی کتاب، به تصحیح این موارد بپردازد.

فهرست منابع

- خاوری شیرازی، میرزا فضل‌الله. (۱۳۷۹). *تذکره‌ی خاوری*. تصحیح میرهاشم محدث، زنجان: زنگان.
- خاوری شیرازی، میرزا فضل‌الله. (۱۳۸۰). *تاریخ ذوالقرنین*. تصحیح ناصر افشارفر، تهران: سازمان چاپ و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شعبانی، بهرام. (۱۳۸۷). *مقدمه و تصحیح دیوان خاوری شیرازی*. پایان‌نامه‌ی دکتری دانشگاه اصفهان.
- دیوان بیگی شیرازی، احمد. (۱۳۶۴). *حدیقه الشعرا*. تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: زرین.
- رکن‌زاده آدمیت، محمدحسین. (۱۳۳۸). *دانشمندان و سخن‌سرایان فارس*. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- فرهنگستان زبان و ادب فارسی. (۱۳۸۵). *دستور خط فارسی*. تهران: آثار.
- فسایی، میرزاحسن. (۱۳۸۲). *فارسنامه‌ی ناصری*. تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر.
- قاجار، محمودمیرزا. (۱۳۴۶). *سفینه‌ی محمود*. تصحیح عبدالرسول خیامپور، مؤسسه‌ی تاریخ و فرهنگ ایران.
- گروسی، فاضل‌خان. (۱۳۷۶). *انجمن خاقان*. تصحیح توفیق سبحانی، تهران: روزنه.
- مایل هروی، نجیب. (۱۳۸۰). *تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مفتون دنبلی، عبدالرزاق. (۱۳۴۲). *نگارستان دارا*. به کوشش عبدالرسول خیامپور، تبریز: شرکت چاپ کتاب آذربایجان.
- نواب شیرازی، (بسمل) حاج علی‌اکبر. (۱۳۷۱). *تذکره‌ی دلگشا*. تصحیح و تحشیه‌ی منصور رستگار فسایی، شیراز: نوید.
- هدایت، رضاقلی‌خان. (۱۳۸۰). *تاریخ روضه‌الصفاء*. تصحیح جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۶۷). *فنون بلاغت و صناعات ادبی*. تهران: مؤسسه‌ی نشر هما.